

پژوهش در روش تفسیری تفسیر الصراط المستقیم بروجردی  
مهدی حیاتی - قدسیه پوراقبال  
علمی - پژوهشی  
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه  
سال نوزدهم، شماره ۷۵ «ویژه پژوهش های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۷۰-۱۵۳

## پژوهشی در روش تفسیری تفسیر الصراط المستقیم بروجردی

مهدی حیاتی<sup>۱</sup> / قدسیه پوراقبال<sup>۲</sup>

### چکیده

تفسیر الصراط المستقیم از تفاسیر قرن سیزدهم شیعه است؛ که سید حسین بن محمد رضا بروجردی نوشته و تفسیر شامل سوره حمد و بقره است. روش غالب این تفسیر، روائی و ماثور است؛ هر چند می توان آن را یک تفسیر اجتهادی جامع به شمار آورد؛ در این تفسیر مباحث قرائت، بررسی لغوی، قواعد تجویدی، ذکر نکات بلاغی و نحوی آیات بحث شده و به طور گسترده از روایات پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام جهت فهم معانی آیات استفاده شده است. مفسر خود یک عالم رجالی متبحر است که به شیوه هدفمند، گزینش دقیقی از روایات را در فهم معانی ظاهری و باطنی آیات به کار برده است. بنابراین در ذیل آیات، تأویل و معانی باطنی و مصادیق آیات در تفسیر ارائه می کند. در این تفسیر، مفسر پس از تحلیل و بیان احتمالات متعدد در معانی آیات و الفاظ به اظهار نظر صائب و اجتهاد در تفسیر آیات اقدام کرده و مباحث متنوعی همچون مباحث کلامی، عرفانی و فقهی را ذیل آیات به فراخور موضوع آیه بحث نموده است. استفاده گسترده مفسر از منابع مختلف و متعدد، نشان از تضلع و قدرت استنباط مفسر دارد. این تفسیر به تفسیر المیزان شباهت دارد، هر چند سال ها پیش از تفسیر المیزان نوشته شده است. اگر مفسر می توانست تفسیر کاملی از قرآن ارائه کند، این تفسیر یکی از بهترین تفاسیر شیعه محسوب می شد، که می توانست با تفاسیر بزرگ شیعه برابری کند.

کلید واژه ها: روش تفسیری، تفسیر الصراط المستقیم، سید حسین بن محمد رضا بروجردی.

۱. مربی دانشگاه شهید چمران اهواز، (اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه معارف اسلامی)،

mehdi.hayati@scu.ac.ir

۲. مربی استاد مدعو، اهواز.

### مقدمه

یکی از تفاسیر مهجور در قرن سیزدهم قمری، تفسیر دانشمند رجالی سید حسین بن محمد رضا بروجردی است. در این نوشتار بر آن هستیم که ضمن معرفی این اثر گرانسنگ، به روش تفسیری ایشان نیز پردازیم. باید دانست با تبعی که نویسنده در پایگاه‌های استنادی مقالات و مجلات علمی انجام داده، تاکنون مقاله و پایان نامه مستقلی در خصوص این تفسیر نوشته نشده و بدین لحاظ، مقاله کاملاً جنبه نوآوری دارد.

### ۱. نگاهی به تفسیر الصراط المستقیم و نویسنده آن

مؤلف عالیقدر آن، عالم جلیل سید حسین بن سید محمد رضا حسینی بروجردی (متوفی ۱۲۷۶ یا ۱۲۷۷ ق)، یکی از اعلام تفسیری، قرن سیزدهم هجری است که عالم، فاضل، جلیل، فقیه، متکلم و مفسر معرفی شده است. (امین، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۸)

نسب شریف ایشان با ۲۶ واسطه به عالم زاهد و شجاع، شهید زید بن علی بن الحسین علیه السلام می‌رسد. او از محضر شریف علمای عصر در بروجرد و نجف درس آموخته تا به مرتبه عالیه اجتهاد رسیده است. از اساتید بزرگوار ایشان، شیخ اسد الله بروجردی (۱۲۷۱ هـ. ق)، سید جعفر دارابی کشفی بروجردی (۱۲۶۷ هـ. ق)، شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۶۲ هـ. ق)، شیخ محمد حسین صاحب فصول (۱۲۶۱ هـ. ق) و شیخ محمد حسن صاحب جواهر (۱۲۶۶ هـ. ق) می‌باشند. (امین، ۱۴۰۳، همان)

بزرگان تراجم و رجال در حق او مطالب توصیفی فراوانی گفته‌اند، که در این میان، می‌توان این بزرگان را برشمرد: سید علی اصغر جاپلقی، در الطرائف چاپ هند (۱۲۹۴ هـ. ق)؛ مرحوم سید محسن امین عاملی، در اعیان الشیعه (ج ۶، ص ۱۸)؛ عمر رضا کحاله، در معجم المؤلفین (ج ۴، ص ۷)؛ شیخ عباس قمی در الفوائد الرضویه (ص ۱۵۵)؛ سید شهاب الدین مرعشی، در حواشی نخبه المقال و جمعی دیگر که القاب و اوصاف تقدیر آمیزی را در مورد او بیان نموده‌اند. (عقیقی بخشایشی، ج ۱، ص ۷۵۴).

### ۱-۱. گزارشی از زندگی نویسنده

حسین بن محمد رضا، از علمای امامیه در قرن سیزدهم، به گفته خودش در شوال ۱۲۳۸ ق به دنیا آمد. در شهرهای نجف و کربلا و بروجرد نزد علمایی چون صاحب جواهر، شیخ محمد حسن کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین صاحب فصول، سید محمد شفیع چاقلی و سید جعفر دارابی به تحصیل دانشهایی چون: فقه، اصول، تفسیر، رجال پرداخت و به مراتب بلند علمی دست یافت. پدرش از علما بود که از سید عبدالله شبر اجازه حدیثی گرفته بود. (مدرس تبریزی، ج ۱، ص ۲۵۲) برادرش سید علی محمد (۱۲۹۲) نیز از علما بود. شهرت عمده بروجردی به دلیل سرودن منظومه ای است در ۱۳۱۳ بیت در علم رجال به نام زبده المقال (یا نخبه المقال) که از دقت و ایجاز و فصاحت برخوردار است و نکات مهم در مورد عالمان مشهور، از جمله ماده تاریخ درگذشت آنان را در آن ذکر کرده است. این منظومه در سال ۱۲۶۰ سروده شده و در ۱۳۱۳ همراه رساله ای به نام المستطرفات فی النسب و الألقاب و الکنی به نشر، چاپ شده است. (حبیب آبادی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۰۵۹). مولی علی علیاری تبریزی (۱۳۲۷ هـ) منظومه ای با نام منتهی الآمال فی تتمیم زبده المقال در تکمیل آن سروده و سپس هر دو منظومه را با عنوان بهجة الآمال شرح کرده است. فرزند شارح محمد حسن علیاری این شرح را با عنوان مختصر المقال تلخیص کرده است. سید شهاب الدین مرعشی نجفی نیز تعلیقه ای به نام منیه الرجال بر نخبه المقال نوشته است. بروجردی تفسیری نیز داشته که مقدمه و بخشی از سوره بقره آن پایان یافته است. او در ۱۲۷۷ ق (یا ۱۲۷۶) و به نوشته محدث قمی (۱۲۸۴) در بروجرد درگذشته است. فرزندش سید نورالدین و فرزند وی سید عبدالحسین، نیز از علما بوده‌اند. (رک: حداد عادل، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۱۰۶۹)

آثار و تألیفات مفسر عبارتند از:

۱- نخبه المقال فی علم الرجال (زبده المقال) به عربی و به نظم سروده است. (چاپ

۱۳۱۳ هـ. ق)

۲- تعلیقات بر تفسیر انوار التنزیل بیضاوی. (۶۸۵ هـ. ق)، که ضمن آن حواشی دیدگاه‌های

خاصّ شیعه را منعکس نموده‌اند.

- ۳- مقیاس الدراية فی احکام الولاية
- ۴- تفسیر الصراط المستقیم (کتاب مورد بحث)
- ۵- تفسیر آیه نور و سوره اعلی که به صورت منظومه و در ۱۳۰۰ بیت است.
- ۶- شرح خلاصة الحساب شیخ بهاء الدین عاملی
- ۷- المستطرفات
- ۸- دیوان شعر

### ۲-۱. معرفی تفسیر الصراط المستقیم

این تفسیر نام تمام در دو مجلد ضخیم قرار دارد، که در ترتیب چاپ‌های اخیر به ۵ جلد در قطع وزیری رسیده و به آیه ۴۱ سوره بقره محدود شده است. تألیف جلد اول تفسیر در تاریخ ۱۵ ذی‌قعدة الحرام سال ۱۲۷۱ هـ. ق، و تألیف جلد دوم در جمادی الثانیه ۱۲۷۵ هـ. ق، آغاز شده است. مجلد اول آن در یک جلد ضخیم شامل یک مقدمه در ۱۴ عنوان و سوره حمد تا آیه «غَيْرِ الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ» (فاتحه / ۷) است، و بقیه سوره حمد و ۴۱ آیه سوره بقره را به جلد دوم برده است. نسخه اصل هر دو مجلد نزد نوه اش سید محمد حسن بروجردی یافت می‌شود. (استادی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۹)

البته مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی از جلد سوم آن که مشتمل بر تفسیر سوره بقره تا آیه ۲۵۵ آن است، نیز یاد می‌کند. (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۵۵، ج ۱۵، ص ۳۶؛ رک: علوی مهر، ۱۳۸۴، ص ۳۲۲).

### ۳-۱. تحقیق تفسیر الصراط المستقیم

محقق تفسیر، مرحوم شیخ غلامرضا مولانا بروجردی<sup>۱</sup> در مقدمه تحقیق، اهمیت

۱. مرحوم آیت الله شیخ غلامرضا مولانا بروجردی فرزند ملا علی اکبر بروجردی از افاضل اهل منبر و محدثین معاصر مقیم قم است. در سال ۱۳۰۶ ش در شهرستان بروجرد دنیا آمد. سطوح ادبیات و فقه و اصول و منطق و فلسفه را از اساتید فنون یاد شده چون مرحوم حاج سید محسن شریعتمداری، سید عبدالحسین خندان، شیخ علی محمد خرم آبادی، شیخ محمد غروی، شیخ علی جواهری و حدود هیجده سال از محضر آیت الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و اساتید دیگر بهره‌مند شده است. کتابهای فراوان مانند تاریخ بروجرد و الخاتم لوصی الخاتم نوشته و کتابهایی همچون حلیة الأبرار

تفسیر و سیرتاریخی مفسران و سپس شرح حال مؤلف بزرگوار را به نقل از تألیف دیگر خودش به نام «تاریخ بروجرد جلد ۲»، به تفصیل آورده است. در متن تفسیر، ۱۳ مقدمه پیرامون قرآن و علوم آن آمده است، که مقدمه یازدهم آن راجع به گردآوری قرآن و عدم وجود نقصان و زیادت در آن به تفصیل بحث کرده است.

محقق ارجمند این تفسیر، انگیزه خود را از تحقیق، جامعیت این تفسیر می‌داند. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۵۶)

#### ۴-۱. انگیزه تألیف کتاب

مفسر در ابتدای مقدمه خود بر تفسیر، پس از مقدماتی در باره سیرت تحصیل خودش و دانش‌هایی که فرا گرفته، می‌نویسد: «من در ابتدای جوانی توفیق یافتم که از معقول و منقول علوم اسلامی خوشه چینم و در اصول و فروع آن عمیقاً بیندیشم و بهره‌افری ببرم، اما دریافتم که اینها پوسته‌ای بیش نیست. بدین روی تصمیم گرفتم دوباره معارف حقیقیه و اسرار ربّانی و علوم لدنی و فیوض قدسی و اسرار دین و انوار شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را ژرف بکاوم. آنگاه همه آنها را در قرآن کریم یافتم که مشتمل بر ما کان و ما یکون الی یوم الدین، بلکه تا ابد الابدین است. نیز یافتم که بر جنبه‌های مختلف علوم و فنون قرآن و مراتب ظهور و بطون آن، کسی جز «راسخان فی العلم» دسترسی ندارد. لذا در جهت فهم اخبار و آثار آنها شب و روز کوشیدم و از انوار آنها مدد خواستم. از طرفی به عروه و ثقای صراط مستقیم الهی که: «فی امّ الکتاب لدینا لعلی حکیم» است، تمسک جستیم. پس از آن با بضاعتی قلیل و تلاشی کثیر، و با استقصای اخبار مربوط به هر آیه و در جهت حلّ مشکلات و متشابهات به آنها رجوع کردم؛ در معانی لغوی، فنون ادبی، مقاصد حکمی، مسائل فقهی، اختلافات مذهبی، اصول کلامی، حقایق ربّانی، علوم نبوی و امامی و علوم دیگر، آنچه می‌توانستم از آیات به طریق دلالات و اشارات، استنباط

فی احوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام و عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار (مجلد غدیر، متن کامل) را تحقیق کرده است. ایشان در ۲۷ اسفند ۱۳۹۴ شمسی درگذشت.

کردم و آنها را برای افاده بیشتر ثبت کردم و نوشتم. نام آن را «الصراط المستقیم فی تفسیر الكتاب الکریم» نهادم. امید که برای نفع من و دیگر مؤمنان از شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام واقع شود. (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۵)

### ۱-۵. مقدمه تفسیر الصراط المستقیم

مرحوم مولانا بروجردی در ابتدا مقدمه‌ای در ۱۲۰ صفحه ارائه داده است. در این مقدمه پس از بیان اجمالی درباره تفسیر و مشاهیر صحابه در تفسیر، طبقات مفسران را از قرن اول هجری تا زمان مفسر (قرن سیزدهم هجری) مطرح کرده، که جمعا ۳۴۹ نفر را مورد بررسی قرار داده است. سپس به شرح حال زندگی مفسر، اساتید و شاگردان او، دیدگاه علماء درباره وی، وفات، تالیفات و فرزندان ایشان، پرداخته است. (بروجردی، ۱۴۱۶، ص ۱-۱۲۰). مؤلف آن را در چهارده مقدمه درباره جمع قرآن کریم و عدم تحریف قرآن مرتب کرده است. (شهیدی صالحی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۴). عناوین آنها عبارتند از:

۱. حقیقت علم، انواع علوم و مراتب آنها و علم تفسیر.
۲. فضیلت قرآن و تمثیل آن در روز قیامت و تعلیم و تعلم و قرائت و حفظ آن.
۳. حقیقت قرآن و مراتب آن در تکوین و ظهور آن در تنزیل به شکل حروف و کلمات و قرآن ناطق.
۴. اسماء و القاب قرآن، معنای کلام نفسی، کیفیت وحی و الهام و تحدّث، و حظّ ائمه علیهم السلام از وحی و الهام و معنای تلقی و انواع مکاشفات.
۵. تبیان و تفصیل بودن قرآن و بیان کیفیت انشعاب علوم از آن.
۶. معنای تفسیر، تنزیل، تأویل، ظاهر، باطن، محکم، متشابه، ناسخ، منسوخ، حجیت قرآن، صحّت استدلال به ظواهر آن در اصول و فروع، تفسیر به رأی و ضابطه تأویل.
۷. معنای انزال و تفاوت آن با تنزیل، معنای سوره و اقسام چهارگانه آن، آیه، کلمه، حروف و ضبط سور، آیات و حروف قرآن.
۸. علم قرآن مخزون نزد اهل بیت علیهم السلام می باشد و بیان اینکه انتهای سلسله قرآن و علم تفسیر، آنها هستند.

۹. قرآن در حق ائمه علیهم‌السلام، شیعه آنها و اعداء آنهاست.

۱۰. وجوه اعجاز قرآن و فرق آن با حدیث قدسی.

۱۱. بحث سبعة احرف، اشاره به منشا اختلاف قراءات، قراءات سبعة و عشره، تواترو جواز اخذ آنها.

۱۲. کیفیت قرائت، آداب ظاهری و باطنی آن، معنای غنا و حرمت آن، معنای ترتیل و اشاره به حجب قلبیه در قرائت و کیفیت رفع آنها.

۱۳. احکام قراءت، وجوب، حرمت، کراهت و استحباب

۱۴. استشفاء و استکفاء به آیات، سبب مخالفت رسم الخط قرآن با غیر آن، سجده‌های

قرآن و کیفیت استخاره به آن. (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۱ و ۲، ص ۱۲۸-۵۱۷)

#### ۱-۶. منابع تفسیر

مفسر محترم در نقل اقوال و مطالب، از منابع تفسیری و روایی عامه و خاصه بهره برده که در بسیاری موارد اشاره به منبع یا قائل آن دارد. محقق این اثر نیز در پاورقی سعی در بیان مصادر، آیات، روایات و تراجم اعلام داشته است. براساس مجموعه متن و پاورقی می‌توان فهرستی از منابع و مصادر بحث‌های مقدمات تفسیر و خود تفسیر ارائه داد، که عمده آنها از این قرارند:

تفسیر امام حسن عسکری علیه‌السلام، تفسیر مجمع البیان، تفسیر قمی، تفسیر البرهان، تفسیر نور الثقلین، تفسیر عیاشی، تفسیر صافی، تفسیر کنز الدقائق، تفسیر فخر رازی، تفسیر کشف، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، کافی (اصول و فروع)، بحار الأنوار، صحیح مسلم، صحیح ترمذی، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، وسائل الشیعه، من لا یحضره الفقیه، تهذیب، شروح کافی، اختصاص، امالی صدوق، امالی سید مرتضی، امالی مفید، ارشاد مفید، ثواب الاعمال، عیون اخبار الرضا علیهم‌السلام، کمال الدین، معانی الاخبار، خصال، علل الشرایع، محاسن، عوالی اللثالی، جامع الاخبار، الوافی، الاستیعاب، الحدائق، رجال کشی، شواهد التنزیل، مناقب ابن شهر آشوب، حلیة الاولیاء، طبقات ابن سعد، مسند احمد، صحیح بخاری، محجة البیضاء، الانوار النعمانیة، احیاء الاحیاء،

نهایة الاقدام شهرستانی، العدد یوسف حلی، فقه الرضوی، فرج المهموم، السرائر، عوارف المعارف فی التصوف، قاموس الرجال، مصباح الشریعة، عدة الداعی، کتاب سلیم بن قیس، محاضرات الاوائل، شرح مفتاح الغیب فی التصوف، جواهر الکلام، شرح الاسماء الحسنی، فتح الابواب، البصائر، معجم الادباء، مجمع البحرین طریحی، مصباح المتہجد، الدروس، مشارق الامان، الفتوحات المکیة، ینابیع المودة، مکارم الاخلاق، کشف الظنون، اخلاق ناصری، احتجاج طبرسی، توحید صدوق، نهایہ ابن اثیر، الاتقان سیوطی، العرشیة، شرح اشارات خواجہ، مبدأ و معاد شیخ الرئیس، المجلی مرآت المنجی ابن ابی جمہور، المواقف و شروح آن، کشف المراد، اسفار، الیاقوت ابن نوبخت و شروح آن، انوار الملکوت علامہ حلی، تحفہ العالم تستری، دعائم الاسلام، قرب الاسناد، الذکری، منتهی المطلب، مشارق الانوار، حیاة الحیوان دمیری، شفاء بوعلی، نزہة الاذہان فی طبّ الابدان، منظومہ سبزواری، تجرید الاعتقاد خواجہ، شرح تجرید، تاج العروس، احقاق الحق، مفردات راغب، مصباح المنیر فیومی، شرح العقائد العضدیة دوانی، نهایة الاقدام فی الکلام، تفسیر فاتحہ الکتاب قونوی و....

ارائه این فهرست برای نشان دادن قدرت علمی و جامعیت مفسر در استفاده از اقوال و نقد و بررسی آنها است که در اثر خود داشته است. دقت در فهرست منابع تفسیر، خود گویای تسلط مفسر بر علوم مختلف و شناخت منابع اسلامی است و ارزش تفسیر را نشان می‌دهد.

## ۲. بررسی محتوا و روش تفسیر الصراط المستقیم

### ۲-۱. زیرساخت روش تفسیری

روش غالب این تفسیر، روایی و ماثور با استفاده گسترده از روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیہم السلام است؛ هر چند باید این تفسیر را یک تفسیر اجتهادی جامع محسوب کرد. اگر بخواهیم آن را در روش تفسیری با تفسیر دیگری مقایسه کنیم، به تفسیر المیزان علامه طباطبایی شبیه‌تر است، گرچه سال‌ها پیش از تفسیر المیزان نوشته شده است.

در صورتی که مفسر تفسیر کاملی از قرآن ارائه کرده بود، این تفسیر از بهترین تفاسیر شیعه محسوب می‌شد. شیخ عباس قمی این تفسیر را شبیه به مجمع البیان می‌داند و می‌نویسد: «همچنین از مؤلفات ایشان تفسیر سوره بقره است که بسیار کبیر و قریب به مجمع البیان است.» (قمی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵۵)

مفسر شیوه کلامی را نیز کم و بیش در تفسیر خود دارد. در مباحث کلامی وارد شده و توضیحاتی بیش از مقام تفسیر می‌دهد. (به عنوان نمونه: بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۰۶ به بعد ذیل «ایاک نستعین» و بحث استعانت، در اعیان ثابته، اغراض افعال الهی، نظر اشاعره ورد آن؛ نیز: ج ۴، ص ۲۰۹ به بعد، بیان مفصل در باره مجسمه، مشبّهه، مجبّره، مفوضه و نقد آنها). بروجردی در بیان اقوال مفسران فقط به نقل آنها اکتفا نکرده، بلکه به نقد و بررسی آنها نیز می‌پردازد. بعد تحلیلی و اجتهادی و بیان احتمالات متعدد در معانی آیات و الفاظ را نیز باید به شیوه تفسیری ایشان افزود. در توضیح کلمات و معنا و تفسیر آنها، در کنار روایات و تحلیل‌های اجتهادی خود، از آیات دیگر قرآن نیز بهره می‌برند (نمونه: بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۱۹-۲۲۱).

پس از آن شأن نزول آیه را (در صورت دارا بودن) نقل و تجزیه و تحلیل می‌کند. در این میان، نظری به مسائل عرفانی داشته، برای توضیح مطلب خود و گاه برای نقد، آنها را بیان می‌دارد.

وی در کنار آن، رجوع گسترده به احادیث در بعضی مسائل نشان می‌دهد (مانند بحث تجسم اعمال، ج ۴، ص ۵۰۰ به بعد).

مفسر در هر سوره، سخن را با بیان وجه تسمیه سوره آغاز می‌کند و با بحث‌های فضل سوره، نزول سوره (که سخن از مکی، مدنی بودن و اختلاف موجود در آن می‌باشد)، عدد آیات (که با بیان رأی کوفی، بصری، حجازی، شامی و... به تحلیل و نقد آنها می‌پردازد) ادامه می‌دهد.

در بحث «دلالة الحروف و الألفاظ علی مدلولاتها» واضع را خداوند می‌داند و این دلالت را ناشی از وضع او محسوب می‌دارد. (ر.ک: سایت ویکی نور <https://wikinoor.ir>)

## ۲-۲. مباحث لغوی

در تفسیر آیات، ابتدا لغات مشکل آیات را بیان کرده، به توضیح آن می‌پردازد، سپس قرائت کلمات را در حد بیان بعضی قرائات شاذّه (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۶۴۶؛ ج ۴، ص ۲۹۲) و مطرح کردن برخی مسائل تجویدی مانند موارد وقف را گوشزد کرده، (همان، ج ۴، ص ۱۰۲) گاهی نیز در این قسمت عنوانی به نام «قراءة غریبه» باز می‌گوید. (همان، ج ۴، ص ۹۸)

در مورد واژه «ریب» می‌نویسد: «الریب» در اصل مصدر است، مانند: رابنی الشیء (آن شیء مرا به شک انداخت)، هنگامی که در آن شک (ریبه) حاصل می‌شود که حرکت و اضطراب نفس است. پس شک، ریبه است و صدق، طمأنینه است. (همان، ج ۴، ص ۹۹)

## ۲-۳. اختلاف قرائت شاذّه و غریب

مفسر در ذیل آیات، مباحثی را تحت عنوان قرائت مطرح کرده است که در برخی موارد، اختلاف قرائت شاذّ و غریب را نقد و بررسی می‌کند.

قرائت غریب: ذیل آیه ۲ سوره بقره از عبدالله بن مسعود آورده که او این گونه قرائت کرد: (الم - تنزیل الكتاب) (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۹۸).

اختلاف قرائت شاذ: از ابی الشعثاء نقل شده که او قرائت کرد (لا ریب) - بارفع - بنا براین که لاء مشبّه به لیس است. تفاوت آن با قرائت مشهور در این است که در قرائت مشهور، صراحت در نفی افراد دارد، هر چند از جهت التزام است. اما در قرائت شاذ، از جهت وقوع نکره در سیاق نفی، احتمال می‌رود که مراد از آن، اشتغال بر مثنی و جمع نباشد. (همان، ج ۴، ص ۹۸ و ۱۰۲)

## ۲-۴. قواعد تجویدی:

مفسر ذیل برخی آیات، مباحث تجویدی را که به فهم معنای آیه مدد می‌رساند، مطرح کرده است؛ که از آن جمله موضوع وقف است. ایشان می‌نویسد: وقف در آیه ۲ سوره بقره در (فیه) مشهور است. نافع و عاصم بر (لا ریب) وقف کرده‌اند به خاطر حذف خبر؛ همان گونه

که در این باب برای علم به آن شایع است؛ و مانند آن آیه (قالوا ضییر) است. نیز گفته‌اند: مشکلی نیست و در تقدیر این است: «لا ریب فیه، فیه هدی» و ناگزیر باید وقف بر آن بیاید؛ چرا که اگر وقف نباشد، معنای عبارت ناقص می‌شود. (همان، ج ۴، ص ۱۰۲)

## ۲-۵. نکات نحوی:

در تفسیر الصراط المستقیم به مباحث نحوی توجه شده است. به عنوان نمونه، ذیل آیه «ذلک الکتاب لا ریب فیه» (بقره ۲) می‌نویسد: تاخیر ظرف «فیه» اینجا بر خلاف آیه ۴۷ سوره صافات است (لا فیها غول) بدان روی که آنجا مطلب مهم‌تر را مقدم کرده‌اند. ولی اینجا در مقام نفی ریب از کتاب به طور کلی است و اثبات اینکه کتاب، حق و صدق است و دروغ نیست. و اگر ظرف مقدم می‌شد، این توهم پیش می‌آمد که وجود کتاب دیگری که در آن شک و تردید نیست، مورد نظر است نه در این کتاب. همان گونه که در آیه ۴۷ صافات قصد کرده است (لا فیها غول). در آن آیه برتری شراب بهشتی بر شراب‌های دنیایی اراده شده که بوسیله عدم صراحت صفت در آن به دست می‌آید، اما این توهم در آیه ۲ سوره بقره وارد نیست، به خاطر صراحت به آن. (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۰۱)

## ۲-۶. تفسیر قرآن به قرآن:

مفسر در توضیح کلمات و معنا و تفسیر آنها، از آیات دیگر قرآن بهره می‌گیرد. (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۱۹-۲۲۱).

ایشان هدایت در آیه «اهدنا الصراط المستقیم» (حمد/۶) را به کمک آیات دیگر معنا می‌کند، مانند: «وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (حج/۵۴)؛ «وَأَنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری/۵۲)؛ «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد/۷). در این بررسی به دو نکته اشاره می‌کند: اول اینکه اسم هادی، از اسماء الله الحسنی است که به ما دستور داده شده خداوند سبحان را بوسیله آنها دعا کنیم. دوم اینکه هدایت که در این آیات یاد شده، از طریق ایمان به رسول خدا است که آن گرامی خود به سوی ولایت مولای ما امیرمومنان

(ع) راه می‌نماید، یعنی با ایمان به ولایت او هدایت شوید، که اصل هدایت همین است. نیز به روایات فراوان و مستفیض اشاره می‌کند که ذیل آیه سوره رعد وارد شده، به این مضمون که علی علیه السلام برای هر قومی هدایت کننده است. آنگاه می‌افزاید: «و چه زیباست این سخن که گفته اند:

انما انت منذر لعباد و علی لکل قوم هاد

هدایت در تبعیت از ولایت است، آن چنان که خدای سبحان می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده/۵۶). پس خداوند متعال هدایت کننده به سوی خودش و محمد صلی الله علیه و آله است، و محمد صلی الله علیه و آله همان هدایت کننده به سوی خداوند و علی است. «وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ \* صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (شوری/۵۲-۵۳). و او همان علی علیه السلام است که در روایات آمده است. و علی علیه السلام هدایت کننده به سوی خدا و به سوی رسول خداست، چنانکه از این آیات و روایت ذیل آنها بر می‌آید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف/۱۰۸)؛ «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ» (انعام/۱۵۳). بنابراین دستور به تبعیت کردن از همان صراطی شده که در این آیه به صورت مفرد آمده است. و از متابعت صراطی نهی می‌فرماید که مستلزم باطل فراوان و غیر صحیح است. پس از این، مرحله هدایت تکوینی است که در تمام ذرات عالم جاری شده و در این آیات به آن اشاره می‌رود: «الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» (اعلی/۳)، «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵۰). (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۴۷)

## ۲-۷. موضوعات فقهی در تفسیر

هدف اصلی این تفسیر، مباحث فقهی نبوده، و این مهم به کتابهای آیات الأحکام موکول می‌شود، ولی بروجردی از مباحث فقهی غفلت نکرده است. در اینجا دو نمونه بیان می‌شود:

الف. یکی از کارکردهای نقل روایات اهل سنت، دستیابی به مقصود واقعی و ظاهری متن احادیث و تمیز میان آن دو است. از این جریان می‌توان با عنوان «جهت صدور

روایات» یاد کرد. گاه به دلایل مختلف، از جمله تقیه، معصوم علیه السلام با بیان یک مطلب، در صدد بیان واقع نبوده و مقصود جدی عبارات را اراده نکرده است. مفسر ما، پس از نقل روایاتی در فضیلت قرائت قرآن با صدای خوش و دلنشین، بحثی را در حرمت غنا آورده و می‌نویسد که این موضوع از ضروریات مذهب تشیع و مورد اتفاق تمام مذاهب اسلامی است. وی ادامه می‌دهد که آن دسته روایات شیعه که متوهم اباحه است، قطعاً بر تقیه حمل می‌شود؛ چرا که اندیشمندان گذشته و حال شیعه به حرمت آن معتقد هستند. (رک: بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۵۹-۳۶۰). نیز پس از نقل روایت دیگری از طریق حمیری از امام کاظم علیه السلام احتمالات متعددی در معنای آن آورده و در نهایت معتقد است که این حدیث به سبب تمایل فراوان زمامداران اموی و عباسی به انجام آن و موافقت با فتوای فقهای ایشان، بر تقیه حمل می‌شود. (باقری و رحمان ستایش، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹؛ رک: بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۶۵-۳۶۶)

ب. ذیل آیه ۴۱ سوره بقره می‌نویسد: بعضی به آیه «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» (بقره/۴۱) بر حرمت گرفتن اجرت در مورد تعلیم کتاب خداوند متعال استدلال کرده‌اند. قرطبی در الجامع لاحکام القرآن گفته: علماء در گرفتن اجرت بر تعلیم قرآن اختلاف کرده‌اند. زهری آن را نمی‌پذیرد. اصحاب رأی با استناد به آیه «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» برای تعلیم فریضه الهی نیت تقرب به خدا و اخلاص به او را شرط می‌دانند، مانند نماز و روزه؛ لذا اجرت را برای آن قبول نمی‌کنند.... برخی اجازه گرفتن اجرت برای تعلیم قرآن را داده‌اند، مانند: مالک، شافعی، احمد بن حنبل و ابو ثور ابراهیم بن خالد کلبی... مفسر در ادامه، نظرات مختلف از صحابه و تابعان و علمای فریقین را مطرح و نقد و بررسی می‌کند. (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۴۷۴)

## ۲-۸. تفسیر باطنی و تاویل آیات

مرحوم بروجردی نظری به مسائل عرفانی داشته، به گونه‌ای که گاه برای توضیح مطلب خود و گاه برای نقد، آنها را مطرح می‌کند؛ مانند:

\* اشاره به نظر مولوی با استفاده از اشعار وی، دیدگاه افلاطون، کفر دانستن اعتقاد به

وحدت وجود (در بحث هدایت، بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۴۰ تا ۵۴۶)

\* اشاره به بحث عوالم الهیه (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۵ به بعد)

\* نقد ابن عربی در بحث عذاب (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۶۳).

\* گاهی بحثی مستقل به نام «تبصرة عرفانية» پیش می‌کشد. (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۳،

ص ۷۸)

\* همچنین مطالبی مفصل در استعاذه و تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای سوره

حمد بیان کرده‌اند که جایگاه و مقامات والای اهل بیت را نشان می‌دهد. (بروجردی،

۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۵۰)

## ۲-۹. ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر

مرحوم بروجردی در سراسر تفسیر الصراط المستقیم، از روایات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل

بیت علیهم‌السلام در تفسیر آیات بهره برده است؛ علاوه بر آن به جایگاه و منزلت آن ذوات نورانی و

مراتب وجودی و عظمت شأن ایشان تصریح شده است. برخی از این اشارات که برگرفته

از روایات است، تأویل آیه یا ذکر مصادیق تام آن یا معنای باطنی آیه می‌باشد. از جمله

این اشارات ذیل آیه ۲ سوره بقره در معنای واژه (ذلک) آورده است: ذلک اشاره به مولای

ما امیر مومنان علیه‌السلام است؛ ذلک یعنی اینکه او کتاب ناطق به اوامر و نواهی خداوند و زبان

راستی است که شکی در آن نیست. (لا ریب فیہ). برهان جامع علوم الشریعات

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: کتاب، علی است که شکی در آن نیست

(کتاب علی لا ریب فیہ)

من می‌گویم: مراد از ذلک، اشاره به علی علیه‌السلام و کتاب عطف بیان برای اوست، و

اضافه شدن کتاب به علی در خبر بیانیه است. و دلیل این که معنی کتاب علی علیه‌السلام

است به خاطر علمی است که هدایت برای متقین در او وجود دارد.

نیز در تفسیر قمی از امام صادق علیه‌السلام آمده که فرمود: کتاب، علی علیه‌السلام است که شکی

در آن نیست و هدایتی برای متقین است و بیانی برای شیعیان ماست....

مؤلف تفسیر در توضیح این گونه روایات می‌نویسد:

«کتابها دو نوع است: تدوینی و تکوینی. یکی بیان حکایت است برای آن دیگری که جعل است و ابداع. و این دو کتاب، یکی قرآن است و دیگری امیرمومنان علیه السلام، دو ثقل که خلف رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امتش هستند، همان که خداوند، مردم امر را به تمسک به آنها امر فرموده و آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا آن که بر حوض وارد شوند و دو نسخه‌اند که مطابق همه حقایق معارف و مراتب ایمان‌اند. به دلیل ذکر و ایمان که در آنها جاری است، البته یکی صامت است و دیگری ناطق؛ کتاب صامت دلالت و بیاناتی دارد که بر آنها آگاهی نمی‌شویم مگر به وسیله آن کتاب ناطق که علمش را به ایشان داده شده است.... امام صادق علیه السلام می‌فرماید: این همان صورت انسانی بزرگترین حجت خدا بر خلق است و آن دیگری کتابی است که به دست نوشته شده است....» (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۹۴).

#### ۱۰-۲. تفسیر اجتهادی

مفسر را از خلال بحثهای متفاوت و شیوه‌های گوناگونش می‌توان فردی بچا و نقاد برشمرد. بدین ترتیب در بسیاری موارد، بعد از طرح نظرات گوناگون با تعبیری نظیر «اما تحقیق الحق...» دیدگاه خود را بیان می‌دارد. ایشان در بیان اقوال مفسران علاوه بر نقل، به نقد و بررسی آنها می‌پردازد، مانند بحث مفصل در معنای استعانت. (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۱۱ به بعد).

#### ۱۱-۲. حروف مقطعه

مفسر ذیل آیه اول سوره بقره «الم» بحث مفصلی درباره حروف و پس از آن در خصوص احتمالات معانی حروف مقطعه بیان می‌دارد، آنگاه اقوال را بیان و تحلیل می‌کند. (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۶ - ۷۶).

#### ۱۲-۲. مباحث اعجاز

مفسر ذیل برخی از آیات قرآن، به تفصیل به شرح موضوعاتی متناسب با معنای آیات پرداخته است. از جمله زیر عنوان «دلیل إعجاز القرآن»، ذیل آیات ۲۴ و ۲۵ سوره بقره در باره وجوه و جنبه‌های مختلف اعجاز آیه و آیات مورد نظر، سخن به میان آورده است.

مفسر در ابتدا چهار آیه از آیات تحدی را ذکر کرده که عبارتند از:

«فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ» (قصص/۴۹)

«لَئِن اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ» (اسراء/۸۸)

«قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُقْتَرِيَاتٍ» (هود/۱۳)

«قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ» (یونس/۳۸)

پس از ذکر آیات، دلایل عقلی خود را در خصوص تحدی و اعجاز قرآن مطرح می‌کند.

(بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۷۹).

## ۲-۱۳. مباحث تفسیر موضوعی

مفسر محترم ضمن رعایت تفسیر ترتیبی، از بیان موضوعات قرآنی متناسب با آیات و توضیح آنها به کمک روایات و آیات دیگر، کوتاهی نکرده و بحث‌های موضوعی زیادی را مطرح می‌نماید؛ مانند: منافقون، درجات تقوی، حقیقت ایمان، تناسخ، اقسام کفر، حقیقت اراده و کراهت، اقسام هدایت، واسطه بودن اهل بیت علیهم‌السلام و...

## ۳. نسخه‌شناسی

تفسیر الصراط المستقیم با تحقیق مرحوم آیت‌الله غلامرضا مولانا بروجردی و با سرمایه‌گذاری انتشارات صدر تهران، بدون تاریخ چاپ و انتشار یافته است. محقق محترم نخست در مصر به چاپ جلد اول آن اقدام کرده ولی به علت وجود احادیث ائمه علیهم‌السلام و شیعی بودن محتوای آن، از پخش و نشر کتاب جلوگیری شد. ناچار در یک جزء در ایران چاپ گردید و سپس مجدداً هر سه جزء در بیروت منتشر شد.

این تفسیر نسخه‌های خطی متعددی دارد، از جمله نسخه خطی که در کتابخانه سید آقا رضا سبط سید شفیع جاپلقی موجود است. دو نسخه مورد استفاده محقق بوده است: یکی نسخه خطی به خط مؤلف، دیگری نسخه ای که از روی آن استنساخ شده است و نزد نوادگان ایشان سید حسن نوری بروجردی و سید محمد نوری بروجردی، موجود بوده است.

جلد اول این تفسیر در قطع وزیری توسط مؤسسه انصاریان و چاپخانه صدر قم به سال ۱۴۱۶ چاپ شده است که شامل مقدمه محقق و بخش اول مقدمات چهارده‌گانه مؤلف می‌باشد. جلد دوم تا چهارم آن توسط مؤسسه معارف اسلامی در سالهای ۱۴۱۹ تا ۱۴۲۵ در قطع وزیری منتشر شده است.

جلد دوم چاپ جدید شامل بقیه مقدمات چهارده‌گانه مؤلف، جلد سوم شامل تفسیر سوره حمد و جلد چهارم شامل تفسیر سوره بقره تا آیه ۲۷ می‌باشد، و جلد پنجم آن تفسیر آیه ۲۸ تا ۴۱ سوره بقره را در بردارد.

### نتیجه گیری

۱. دقت در فهرست منابع تفسیر، خود گویای تسلط مفسر بر علوم مختلف و شناخت منابع اسلامی است و ارزش تفسیر را نشان می‌دهد.
۲. روش غالب این تفسیر، روائی و ماثور با استفاده گسترده از روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام است؛ هر چند باید این تفسیر را یک تفسیر اجتهادی جامع دانست. و اگر بخواهیم آن را در روش تفسیری با تفسیر دیگری مقایسه کنیم، به تفسیر المیزان علامه طباطبایی شبیه‌تر است.
۳. مفسر در توضیح کلمات و معنا و تفسیر آنها در کنار روایات و تحلیل‌های اجتهادی خود، از آیات دیگر قرآن نیز بهره می‌برد. *مطالعات قرآنی*
۴. از آن جا که مفسر خود یک عالم رجالی متبحر می‌باشد، به شکل هدفمند گزینش دقیقی از روایات را در فهم معانی ظاهری و باطنی آیات به کار برده است.
۵. مفسر مباحث متنوعی همچون مباحث کلامی، عرفانی و فقهی را ذیل آیات به فراخور موضوع آیه بحث نموده است.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۳۵۵ ق)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، نجف: مطبعة الغری، چاپ دوم.
۲. استادی، رضا، (۱۳۸۳ ش)، آشنایی با تفاسیر - عدم تحریف قرآن و چند بحث قرآنی، تهران: نشر قدس، چاپ دوم.
۳. امین، محسن، (۱۴۰۳ ق)، اعیان الشیعة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۴. باقری، حمید؛ رحمان ستایش، محمد کاظم، (۱۳۸۷ ش)، «کارکردهای نقل روایات اهل سنت در منابع شیعی با تکیه بر روایات تفسیری»، مجله علوم حدیث، سال سیزدهم، شماره سوم و چهارم، صص ۱۱۱-۱۵۲.
۵. بروجرودی، سید حسین، (۱۴۱۶ ق)، تفسیر الصراط المستقیم، قم: موسسه انصاریان.
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۱ ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۷. حبیب آبادی، محمد علی، (۱۳۶۴ ش)، مکارم الآثار در احوال دوره قاجار، اصفهان: نشر نفائس مخطوطات اصفهان، چاپ اول.
۸. حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۹۳ ش)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۹. شهیدی صالحی، عبدالحسین، (۱۳۸۱ ش)، تفسیر و تفاسیر شیعه، قزوین: نشر حدیث امروز، چاپ اول.
۱۰. علوی مهر، حسین، (۱۳۸۴ ش)، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۱۱. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، (۱۳۸۷ ش)، طبقات مفسران شیعه، قم: نوید اسلام، چاپ چهارم.
۱۲. قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۵ ش)، فوائد الرضویة فی احوال علماء مذهب الجعفریة، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۱۳. مدرس تبریزی، محمد علی، (۱۳۷۴ ش)، ریحانة الادب، تهران: انتشارات خیام، چاپ چهارم.
۱۴. سایت ویکی نور / <https://wikinoor.ir>
۱۵. نرم افزار جامع التفاسیر نسخه ۳.